

۵ همیشه با هم

وقتی من می‌آیم، لبخند می‌زنید.
وقتی شما از راه می‌رسید، من غرق در شادی می‌شوم.
وقتی ما با هم هستیم، شاد و سر حال و تواناییم.
زندگی با هم زیباست.
زندگی در کنار هم دوست داشتنی است.
خداوند نیز دوست دارد ما را با هم و در کنار هم ببیند.
اکنون ما همه با هم و در کنار هم هستیم.



در نماز جماعت، همه‌ی ما دوستان، در کنار هم هستیم و از نماز و دعای دسته‌جمعی لذت می‌بریم.



- نماز جماعت چه خوبی‌هایی دارد؟
- نماز جماعت چگونه خوانده می‌شود و تفاوت آن با نماز فردی^۱ چیست؟



- من می‌توانم آن چه را درباره‌ی نماز جماعت یاد گرفته‌ام، به صورت عملی نشان

دهم.



نماز جماعت یکی از مهم‌ترین عبادت‌های اسلامی است. مسلمانان هنگام خواندن نماز جماعت، در صف‌های به هم پیوسته و منظم، برادری و هم‌بستگی خود را نشان می‌دهند.

نماز جماعت در مسجدها و مدرسه‌ها و حتی در خانه‌های مسلمانان برگزار می‌شود.

مؤمنان در نماز جماعت به شخص شایسته‌ای که «امام جماعت» نامیده می‌شود، اقتدا^۲ می‌کنند و اعمال نماز را بعد از او انجام می‌دهند.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - به مسلمانان سفارش کرده است که برای نماز خواندن به مسجد بروند و نمازشان را به جماعت بخوانند؛ زیرا ثواب نماز جماعت بسیار بیشتر از نماز فردی است!

ایشان فرموده است:

«در نماز جماعت، صف نمازگزاران مسلمان، مانند صف فرشتگان خداست

... و خداوند هر رکعت از نماز جماعت یک مؤمن را از سال‌ها عبادت فردی او بیشتر دوست دارد.»

۱. نماز فردی: نمازی که هر کس به تنهایی می‌خواند. ۲. اقتدا کردن: از کسی به طور کامل پیروی کردن

سفر به یاد ماندنی

این، اولین باری است که همراه پدر به چنین سفر پُرهیجانی می‌آیم. ساعت‌هاست که در این جا منتظریم؛ در انتظار یکی از حادثه‌های شگفت‌انگیز و زیبای طبیعی!

تپه‌ای که روی آن ایستاده‌ایم، بسیار پهناور است اما هر کس تلاش می‌کند تا بهترین نقطه‌ی آن را برای مشاهده‌ی آسمان انتخاب کند. همه‌ی خبرنگاران، مثل پدر من، مشغول تنظیم کردن دوربین‌های خود بر روی نقطه‌ی خاصی از آسمان هستند. آن‌ها از صبح تا به حال، بارها و بارها دوربین‌های خود را آزمایش کرده‌اند.

من در این میان، با اشتیاق به همه چیز نگاه می‌کنم؛ گاهی به پدرم که سخت سرگرم فعالیت است؛ گاهی به دوربین‌ها، گاهی به آسمان و گاهی به خورشید.

آرام آرام، زمان موردنظر فرا می‌رسد. خورشید با همه‌ی درخشش و زیبایی خیره‌کننده‌اش، مانند سگه‌ای سرخ شده در آتش به نظر می‌رسد.



... و پس از مدتی آرام آرام در تاریکی فرو می‌رود؛ گویی^۱ ابری تیره آن را پوشانده است!
نفس‌ها در سینه حبس شده است!
زیبایی این منظره، چشم‌ها را خیره کرده است.
صدها عکس گرفته می‌شود؛ دوربین‌های زیادی این صحنه‌ی به‌یادماندنی را به تصویر
می‌کشند.

اکنون اوج فعالیت و تلاش است اما ...

۱. گویی: مثل این است که ...

... ناگهان، پدر و چند نفر دیگر دوربین‌ها را به
حال خود رها می‌کنند.
نمی‌دانم چه کار مهم‌تری پیش آمده است که
آنها از تماشای این منظره‌ی زیبا و باشکوه چشم
می‌پوشند!
من هم به طرفشان می‌روم.
عجیب است! ... آنها مشغول نماز شده‌اند!
نماز! ... آن هم در این موقع روز!

من قبلاً نماز خواندن را یاد گرفته‌ام اما این
اولین باری است که خواندن «نماز آیات» را تجربه
می‌کنم.
چه قدر زیبا و لذت‌بخش است ...
عبادت خداوند، هنگام گرفتن خورشید
و نماز خواندن در دل صحرا!





● چه وقت‌هایی نماز آیات می‌خوانیم؟

● نماز آیات را چگونه می‌خوانیم؟



در زمان پیامبر اسلام، بعضی از مردم تصور می‌کردند که خورشید گرفتگی نشانه غم و اندوه آن است. اما ایشان که همواره می‌کوشید مردم را از گمراهی نجات دهد فرمود: خورشید گرفتگی به غم یا شادی ما ربطی ندارد بلکه نشانه‌ای از نشانه‌های قدرت خدا و نظم جهان است. سپس به آنان آموخت که چگونه به هنگام خورشید گرفتگی یا ماه گرفتگی یا آمدن زلزله و مانند آن نماز آیات بخوانند و بزرگی و توانایی خدا را به یاد آورند. نماز آیات مستحب^۱ است و مانند نماز صبح دو رکعت است و مطابق فقه حنفی هر رکعت یک قیام و یک رکوع دارد ولی مطابق مذهب شافعی هر رکعت دو قیام و دو رکوع دارد.

۱. مستحب: عملی است که مسلمان بهتر است انجام دهد و در صورت انجام دادن آن، از خدا پاداش می‌گیرد ولی اگر آن را انجام ندهد، مرتکب گناه نشده است.



چه کسی شایسته‌ی پیامبری است؟

شاگرد رو به استاد خود کرد و گفت:

استاد! شما با این همه استعداد و توانایی علمی و شهرتی که در جهان دارید و بسیاری از مردم از دانش شما بهره می‌برند، چرا ادعای پیامبری نمی‌کنید؟
استاد به او جوابی نداد.

شاگرد چند بار در فرصت‌های گوناگون پیشنهاد خود را تکرار کرد...
شاید علاقه‌مند باشید بدانید آن استاد چه کسی بوده است.

آری؛ او بوعلی سینا بود که حدود هزار سال پیش زندگی می‌کرد. او مدتی در شهر همدان زندگی می‌کرد و اکنون آرامگاهش در آن جاست. در یکی از شب‌های بسیار سرد، بوعلی سینا که بیمار بود و تب شدیدی داشت، از شاگرد خود خواست مقداری آب برایش بیاورد. شاگرد بوعلی که می‌دید هوا به شدت سرد است و برای آوردن آب هم باید از خانه خارج شود، بهانه‌های گوناگون آورد و نرفت. سرانجام، سپیده سر زد و مؤذن شروع به اذان گفتن کرد.

با شنیدن صدای اذان، شاگرد بوعلی گفت: چه قدر این مؤذن شجاع است که در این سرما به مسجد رفته است و اذان می‌گوید.

بوعلی سینا گفت: این عشق آن پیامبر بزرگ اسلام است که او و امثال او را از خواب شیرین بیدار می‌کند و باعث می‌شود که او بدون توجه به سختی و هوای سرد، پس از قرن‌ها، نام محمد رسول الله (ص) را با صدای بلند به گوش مردم برساند.

آیا می‌دانی من چرا نمی‌توانم پیامبری کنم؟ چون ممکن است علم من و افرادی مانند من از مردم دیگر بیشتر باشد ولی ما لیاقت پیامبری نداریم.

تو در طول شب گذشته در کنار من بودی و من از تو خواستم برایم آب بیاوری ولی به حرف من گوش ندادی. پس، حضرت محمد (ص) لیاقت پیامبری دارد که این چنین مردم را عاشق و شیفته‌ی خود کرده است.

پس، همگی بر محمد (ص) و خاندان و اصحاب بزرگوارش که پیروان واقعی او بودند، صلوات و سلام می‌فرستیم و همه با هم می‌گوییم: اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ (ص)



- چرا استاد به پیشنهاد شاگرد اهمیت نداد؟
- چه کسی باید پیامبر را تعیین کند؟



- من می توانم تحقیق کنم و ویژگی های پیامبران را برای هم کلاسی هایم بگویم.

